

Oral indictment; An institution to reduce the length of criminal proceedings

Sayed Sajjad Kazemi*¹, Hamed Chegini²

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Hamadan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Hamadan, Iran.

Abstract

One of the problems of the judicial system that may lead to the failure of a fair trial is the issue of delay. In order to resolve this issue and try to provide measures to expedite the investigation of criminal cases in special cases, the Iranian legislature, without causing any damage to the proceedings, by removing some of the proceedings and with the approval of Article 86 of the Criminal Procedure Code has provided a useful solution and specified an oral indictment in a wide range of crimes. Execution of an oral indictment is subject to certain conditions, and considering that in the mentioned article, the possibility of presenting an oral indictment for all crimes except the crimes mentioned in Article 302 of the Criminal Procedure Code, this issue can be a factor in determining the speed of criminal cases. Despite presenting such a useful strategy for reasons such as the unwillingness of the prosecuting authority and consequently the lack of specific procedures for the implementation of those obstacles and ambiguities about the use of this institution, especially regarding the rights of the accused, issuing security contracts, the presence or absence of the prosecutor. There is care and ... In this research, which has been analytically-descriptive and using written library resources, these cases have been studied and, if necessary, a solution has been provided.

Keywords: Oral indictment, criminal proceedings, principle of speed, prosecution, investigation

*. Corresponding Author: sskazemi92@malayeru.ac.ir



Article Type:

Original Research

Pages: 293-315

Received: 2021 October 25

Revised: 2022 January 2

Accepted: 2022 February 22



©This is an open access article under the CC BY licens.

کیفرخواست شفاهی؛ نهادی در راستای کاهش اطاله دادرسی کیفری

سید سجاد کاظمی*^۱، حامد چگینی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، همدان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، همدان، ایران.

چکیده

یکی از معضلات نظام دادرسی که ممکن است سبب عدم تحقق دادرسی منصفانه شود بحث اطاله دادرسی است. قانون‌گذار ایران در جهت رفع این موضوع تلاش در ارائه تمهیداتی در تسریع رسیدگی به پرونده‌های کیفری در مواردی خاص، بدون اینکه لطمه و خللی در جریان رسیدگی به وجود آید، با حذف پاره‌ای از تشریفات رسیدگی و با تصویب ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، اقدام به ارائه راهکاری مفید نموده و کیفرخواست شفاهی را در محدوده وسیعی از جرائم مورد تصریح قرار داده است. اجرای کیفرخواست شفاهی تابع شرایط خاصی است و با توجه به اینکه در ماده مذکور امکان ارائه کیفرخواست شفاهی برای همه جرائم به‌استثنا جرائم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک پیش شده، همین موضوع می‌تواند عاملی در جهت تعیین تکلیف سریع پرونده‌های کیفری باشد. علیرغم ارائه چنین راهبرد مفیدی بنا به دلایلی مثل عدم تمایل مقام تعقیب دادسراها و به‌تبع آن عدم رویه‌ای مشخص در خصوص اجرای آن موانع و ابهاماتی بر سر بهره‌برداری از این نهاد خصوصاً در مورد حقوق متهم، صدور قرارهای تأمین، حضور یا عدم حضور دادستان در جلسه رسیدگی و ... به چشم می‌خورد. در این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته به بررسی این موارد و عنداللزوم ارائه راهکار پرداخته شده است.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۹۳-۳۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: کیفرخواست شفاهی، دادرسی کیفری، اصل سرعت، تعقیب، تحقیق

درآمد

ماده ۸۶ ق.آ.د.ک با طرح دعوی کیفری بدون کیفرخواست یا به عبارتی دیگر «کیفرخواست شفاهی» به دنبال ارائه تأسیسی در جهت کاهش اطلاع دادرسی است. یکی از مشکلات و معضلات دادرسی‌های کیفری در طول تمام سال‌های بعد از انقلاب و حتی قبل از آن موضوع اطلاع دادرسی بوده است به نحوی که فاصله بین جرم ارتكابی با واکنش علیه آن، گاه آن قدر طولانی می‌شود که رابطه علی میان جرم و مجازات از بین رفته به نحوی که حتی مجازات کردن مرتکب چنین مجرمی به خاطر فراموشی جرم و از بین رفتن آثار منفی آن در اذهان عمومی ناعادلانه جلوه می‌نماید. به تعبیر سزار بکاریا «هرچه فاصله میان ارتکاب جرم و مجازات کوتاه‌تر شود، مجازات عادلانه‌تر و مفیدتر خواهد بود، از این رو عادلانه‌تر، زیرا در نتیجه آن، مجرم از رنج‌های بیهوده و بی‌رحمانه ناشی از نامطلوبی‌های رهایی خواهد یافت و چون محرومیت از آزادی خود نوعی مجازات است نباید پیش از تعیین مجازات به کار گرفته شود مگر این که ضرورتی ایجاب نماید. اجرای فوری مجازات مفیدتر است؛ زیرا هرچه زمان بین ارتکاب جرم و مجازات کمتر باشد، ارتباط بین دو مفهوم جرم و مجازات در ذهن انسان پایدار و قوی‌تر است» (بکاریا، ۱۳۸۹: ۸۳).

کیفرخواست شفاهی نیز در راستای کاهش اطلاع دادرسی در رسیدگی‌های کیفری است. این کاهش اطلاع دادرسی هم در پرونده‌هایی اتفاق می‌افتد که از تأسیس کیفرخواست شفاهی بهره می‌گیرند و هم به‌طور غیرمستقیم اثر خود را در پرونده‌های مهم‌تری که از روش عادی دادرسی کیفری در آن‌ها استفاده می‌شود نیز خواهد گذاشت. از آنجایی که حجم وسیعی از جرائم به‌موجب قانون قابلیت بهره‌مندی از این تأسیس را دارند، لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین مصداق دادرسی بدون کیفرخواست را باید در «کیفرخواست شفاهی» جستجو کرد.

کیفرخواست شفاهی در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ متجلی شده است. این ماده مقرر می‌دارد؛ «در غیر جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله

بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن‌ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید». در این ماده شرایطی برای استفاده از تأسیس کیفرخواست شفاهی مقرر شده و همچنین نحوه جریان رسیدگی کیفری در صورت مهیا بودن شرایط کیفرخواست شفاهی نیازمند توضیح است که در ادامه این دو موضوع مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

در خصوص مهمترین موارد پیشنهادی تحقیق قابل ذکر است که آقای امیر وطنی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری به بحث اصل سرعت و ضمانت اجرای های نقض اصل سرعت در مدت معقول پرداخته اند و هدف اصلی محاکمات جزایی را اجرای سریع و صحیح عدالت دانسته اند. خانم شهناز اسدی نیا (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان جلوه های اصل سرعت در آیین دادرسی کیفری نوین ایران به جایگاه اصل سرعت در رسیدگی کیفری پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که اعمال سریع مجازات ها زمینه ارتکاب جرم را از بین می برند و تاخیر در اجرای مجازات سبب افزایش جرایم خواهد شد. خانم نسرین مهرا و آقای فریدضرغامی (۱۳۹۳) در مقاله با عنوان مبانی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام های حقوقی ایران و انگلستان بحث جرایمی را که مستقیماً در دادگاه طرح دعوی می شوند بررسی کرده اند و این موضوع را در حقوق ایران و انگلستان مورد تطبیق قرار داده اند. لازم به ذکر است علیرغم ارزشمند بودن مقالات فوق و بهره برداری از نتایج آنها در این مقاله، هیچ کدام از موارد مذکور به صورت اختصاصی به بحث کیفرخواست شفاهی و شرایط اعمال و قلمرو اجرای آن نپرداخته اند لیکن در تحقیق حاضر شرایط

و مبانی و نحوه اجرای کیفرخواست شفاهی همچون قلمرو و جرایمی که در خصوص آنها کیفرخواست شفاهی قابل اعمال است، مورد بحث قرار گرفته و در پایان نیز نتایج و پیشنهاداتی در این موضوع ارائه شده است؛ بنابراین پژوهش حاضر از نوآوری لازم برخوردار است.

۱. کیفرخواست شفاهی؛ مفهوم و مبانی

کیفرخواست شفاهی وسیله‌ای برای رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌هایی است که بنا به دلایلی واکنش سریع جامع در برابر جرم را ایجاب می‌کنند. در چنین شیوه‌ای در همان روز ارجاع پرونده، اتهام متهم مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم مقتضی صادر می‌شود. رویه اجرای کیفرخواست شفاهی به نحوی است که دعوی بدون کیفرخواست کتبی در دادگاه مطرح می‌شود نه اینکه اصلاً کیفرخواستی نباشد. چراکه بیان و ادعای شفاهی دادستان یا نماینده او در دادگاه در واقع طرح کیفرخواست به صورت شفاهی است (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). در نظام کیفری ایران اصل و رویه غالب چنین است که پس از اعلام نظر مقام تحقیق مبنی بر کفایت دلایل جهت انتساب اتهامات انتسابی به متهم، دادسرا و در رأس آن دادستان، با صدور کیفرخواست کتباً تقاضای تعیین مجازات برای متهم را از دادگاه خواهد داشت. لیکن قانون‌گذار ایران در مواردی خاص برای رسیدگی خارج از نوبت به بعضی پرونده‌ها به صورت استثناء پیش‌بینی ویژه‌ای نموده است و این امکان را فراهم کرده که دادستان بتواند کیفرخواست را به صورت شفاهی ارائه دهد و شفاهاً تقاضای رسیدگی به اتهامات انتسابی متهم و تعیین مجازات برای او را داشته باشد. هرچند که در قبل از انقلاب نیز در قوانینی مثل بند ب ماده ۵۹^۱ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ بحث کیفرخواست شفاهی برای اولین بار پیش‌بینی شده بود اما در یک بیان ساده می‌توان گفت قانون‌گذار از پیش‌بینی کیفرخواست شفاهی اهداف مختلفی را دنبال نموده است و تلاش کرده است جهت تحقق این اهداف یک ابداع و نوآوری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ داشته باشد (تقی پور، سلیمی، ۱۳۹۷: ۸۱).

۱. «در امور جنحه اعم از جرایم مشهود و غیر آن، در صورتی که متهم و شاکی حاضر بوده یا فقط متهم حاضر و شاکی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان با اعزام متهم و هدایت شاکی) در صورت حضور (به دادگاه، دعوی کیفری را بلافاصله شفاهاً در دادگاه مطرح خواهد نمود»

امروزه تسریع در دادرسی و سرعت مداری آن به‌عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی عادلانه به‌شمار می‌آید. روند طولانی دادرسی به طرق مختلف ممکن است سبب بی‌عدالتی شده و موجب ناامیدی مردم از دستگاه عدالت کیفری شود (DAN- IEL, 2015: 226). علاوه بر فوایدی که تسریع در رسیدگی برای جامعه و زیان دیدگان از جرم دارد، با تسریع در دادرسی می‌توان به اضطراب و احساس ناامنی متهم نیز خاتمه داد و مواردی چون بحران روانی و اجتماعی را که با ایراد اتهام برای متهم و خانواده او به وجود می‌آید پایان بخشید (Anthony, 2000: 19). سیدگی به شیوه سنتی سبب خواهد شد که مقام تعقیب به ترتیب تاریخ ورود پرونده‌ها به دادسرا و بدون توجه به نوع جرم و شخصیت طرفین به تعقیب و اظهارنظر در مورد آن‌ها بپردازد، در مقابل رویکرد افزایش اختیارات دادستان در راستای مصلحت‌سنجی کیفری، علاوه بر کاهش هزینه‌های اقتصادی سبب تسریع در فرایند کیفری و رضایت اصحاب دعوی خواهد شد لذا مقنن با پیش‌بینی کیفرخواست شفاهی سازوکاری را در نظر گرفته است که با اجرای آن بتوان با تسریع در رسیدگی‌های کیفری و حذف پاره‌ای تشریفات رسیدگی، در جهت تعیین تکلیف پرونده‌های کیفری سرعت بخشید (اسفندیاری، ۱۳۸۶: ۶۳).

علاوه بر موارد مذکور وقتی پرونده‌ای با صدور کیفرخواست کتبی به شعبه دادگاه ارجاع می‌شود، دفتر دادگاه پس از ثبت و انجام سایر امور اداری برای رسیدگی به پرونده مذکور وقت رسیدگی تعیین می‌نماید و وقت رسیدگی مذکور را به طرفین دعوی ابلاغ می‌نماید، لیکن کیفرخواست شفاهی راهکاری برای رسیدگی خارج از نوبت است چون در چنین مواردی در همان روز که طرفین دعوی (حسب مورد شاکی یا شاکی و متهم) به دادگاه اعزام می‌شوند دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و اقدام به رسیدگی و صدور رأی می‌نماید (نوریان و سلیمی، ۲۰۲۲: ۱۳۹۶).

اصل تسریع بودن دادرسی برای تضمین دادرسی عادلانه نقشی تعیین‌کننده دارد زیرا تأخیرهای غیرموجه در امر رسیدگی سبب محو یا از دست دادن ادله اثبات جرم یا مفقود شدن شهود و یا سایر موارد چون ضعف حافظه و فراموشی شهود خواهد شد (Anne C. Conway, 2010: 2). همچنین سرعت محاکمه، فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند (مهر، ضرغامی، ۲۰۲۹: ۱۳۹۳). این موضوع زمانی اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد که پرونده‌هایی که به دلایل مختلف مثل

جریحه‌دار شدن احساسات عمومی نیازمند واکنش سریع جامعه است موضوع رسیدگی باشند در چنین حالاتی جامعه منتظر است که ببیند نهادهای قضایی چه رفتاری با شخص مجرم می‌کنند و چه مجازاتی برای او در نظر می‌گیرند تا با اجرای آن التیامی بر احساسات برانگیخته جامعه قرار گیرد و یقیناً تسریع در رسیدگی به چنین مواردی، نقش اساسی در اعتماد جامعه به مراجع قضایی خواهد داشت.

بنابراین دلیل دیگر پیش‌بینی کیفرخواست شفاهی را می‌توان بحث جدیت و تعجیل نهاد قضایی برای مجازات بعضی مجرمین دانست؛ به عبارت دیگر بعضی از جرائم همواره ممکن است روح و احساسات جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و مردم جامعه بسیار مشتاق و منتظر تعیین تکلیف و مجازات متهم باشند لذا در چنین حالتی کیفرخواست شفاهی می‌تواند اقدامی مؤثر در برآورده کردن این انتظار و توقع مردم جامعه باشد (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۶۶).

دیگر مبانی کیفرخواست شفاهی را می‌توان پیشگیری از تضییع حقوق متهم دانست. در بسیاری از موارد شخص متهم ممکن است در بازداشت موقت به سر ببرد و صدور کیفرخواست کتبی و تشکیل جلسه دادرسی کیفری زمانی نسبتاً طولانی را طی نماید. حال تصور کنیم پس از طی شدن فرایند دادرسی دادگاه حکم به براءت متهم صادر نماید، محرز است در چنین مواردی طولانی بودن فرایند دادرسی سبب تضییع حقوق متهم خواهد شد بنابراین کیفرخواست شفاهی یکی از راهکارهایی است که با کوتاه نمودن فرایند و مراحل دادرسی از تضییع احتمالی حقوق متهمین پیشگیری خواهد نمود (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

۲. تبارشناسی کیفرخواست شفاهی

تعبیر کیفرخواست شفاهی در آیین دادرسی کیفری دارای سابقه تقنینی است و قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز کیفرخواست شفاهی در نظام کیفری ایران در موارد محدودی قابل اجرا بوده است.

مطابق با بند ب ماده ۵۹ قانون اصول محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۰ امکان اعمال کیفرخواست شفاهی وجود داشت و مقنن در ماده مذکور مقرر داشته بود: «هرگاه متهمی در جنبه مشهود دستگیر شده باشد فوراً او را با

صورت مجلسی تنظیم شده توسط مأمورین نظمیه یا امنیه نزد مدعی العموم محکمه بدایت باید ببرند. مدعی العموم از او تحقیقاتی را که لازم بدانند به عمل آورده و لدی الاقتضاء او را بدون ادعانامه کتبی و بلافاصله برای محاکمه در جلسه محکمه حاضر خواهد کرد...» مطابق با این ماده مدعی العموم یا دادستان می توانست تمامی موارد لازم جهت درج در کیفرخواست را به صورت شفاهی در دادگاه مطرح کند تا در صورت جلسه قید شود. لازم به ذکر است اجرای کیفرخواست شفاهی در ماده مذکور صرفاً در جرائم جنحه ای مشهود یعنی از جرائمی که از اهمیت کمتری نسبت به جرائم جنایی برخوردار هستند امکان پذیر بود و همچنین قبل از اعمال کیفرخواست شفاهی تحقیقات مقدماتی نیز باید کامل می شد تا دادستان می توانست دعوی کیفری را شفاهاً در دادگاه مطرح نماید (رمضانی، ۱۳۹۰: ۱۸).

این ماده در اصلاحات قوانین کیفری، با تصویب قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفری عمومی مصوب دوم بهمن ۱۳۵۲ مورد اصلاح قرار گرفت و متن آن به شرح: «در امور جنحه اعم از جرائم مشهود و غیر آن در صورتی که متهم و شاکی حاضر بوده یا فقط متهم حاضر و شاکی در بین نبوده و یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد دادستان با اعزام متهم و هدایت شاکی (در صورت حضور) به دادگاه دعوی کیفری را بلافاصله شفاهاً در دادگاه مطرح خواهد نمود. در این مورد دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه داده و به متهم اخطار خواهد کرد که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع درخواست مهلت نماید. در این صورت حداقل سه روز به او مهلت داده می شود این اخطار و جواب متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. در صورت درخواست، دادگاه می تواند از متهم تأمین اخذ نماید هرگاه متهم از این حق استفاده نکند دادگاه در همان جلسه رسیدگی و به صدور حکم مبادرت خواهد نمود و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بدانند رسیدگی را به یکی از نزدیک ترین جلسات خود موقوف می کند و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا سایر ضابطین دادگستری می دهد...» تغییر پیدا نمود. با این تغییر دایره گستردگی کیفرخواست شفاهی توسعه داده شد و امکان اجرای کیفرخواست شفاهی علاوه بر جرائم مشهود به جرائم غیر مشهود نیز تسری داده شد و همچنین به دادگاه اجازه اخذ تأمین مناسب نیز داده شد.

نکته قابل توجه این است که حتی در زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۵۲، زمانی که دادستان قصد صدور کیفرخواست به صورت شفاهی را داشت، باید شرحی را خطاب به ریاست دادگاه می‌نوشت و سپس پرونده را به دادگاه ارسال می‌کرد بنابراین در کیفرخواست شفاهی آن زمان نیز تقاضای رسیدگی به اتهامات انجام می‌شد اما در قالب و فرم کیفرخواست کتبی نبود و همچنین رعایت شرایط کیفرخواست کتبی نیز ضرورتی نداشت (حبیبی تبار، ۱۳۸۱: ۲۷۲).

علاوه بر موارد فوق، ماده ۳۳ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ نیز به طریقی موضوع کیفرخواست شفاهی را مورد تصریح قرار داده است. این ماده مقرر داشته است: «در جرائم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد، دادستان بلافاصله ادعای کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می‌نماید». هرچند در ماده مورد بحث مصداق جرائم جزئی به صراحت مشخص نیست اما می‌توان آن را شامل جرائم کم‌اهمیت دانست که بهتر بود مصداق آن‌ها نیز در ماده ذکر می‌شد. علاوه بر این موضوع در این ماده به صراحت از کیفرخواست شفاهی صحبتی به میان نیامده است لیکن می‌توان با توجه به رویه متفاوت این محاکم در رسیدگی به جرائم، ادعای کیفری دادستان را به منزله کیفرخواست شفاهی در نظر گرفت؛ که برای اجرای این نوع از کیفرخواست در دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت، جرائم ارتكابی باید از جرائم کم‌اهمیت باشد و علاوه بر آن تحقیقات مقدماتی نیز کامل شده باشد و یا نیاز به انجام تحقیقات نباشد.

از منظر تطبیقی نیز در نظام کیفری انگلستان با دقت در مجموعه قوانین موضوعه از جمله قانون کیفرخواست مصوب ۱۹۱۵، قانون کیفرخواست مصوب ۱۹۷۱ و قواعد دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۰ استنباط می‌شود که کیفرخواست در این کشور تنها به صورت کتبی است و کیفرخواست شفاهی جایگاهی ندارد (barker, david and pad field, Colin, 2002: 45). لیکن در نظام کیفری این کشور در موارد استثناء نوعی از کیفرخواست به نام کیفرخواست اختیاری صادر می‌شود که در این نوع کیفرخواست به قاضی دادگاه عالی اختیار صدور مجوز طبق شرایط موجود در رویه قضایی را می‌دهد و صدور آن به این طریق است که پس از ارجاع پرونده از دادگاه بخش به قاضی دادگاه عالی به منظور اخذ اجازه در مورد (اعلام جرم و تعقیب قانونی علیه متهم) درخواست

می‌شود. این نوع از کیفرخواست در حقوق انگلیس تا حدودی شبیه کیفرخواست شفاهی مصوب ۱۲۹۰ حقوق ایران است که در جرائم کم‌اهمیت و غیر مهم به تقاضای دادگاه بخش و قاضی دادگاه عالی صادر می‌شود این نوع از کیفرخواست را رویه قضایی مقرر نموده است. این شیوه از کیفرخواست یک شیوه دادرسی سریع است که باعث حل اختلافات و فیصله دادن پرونده‌هایی که موضوع آن‌ها جرائم کم‌اهمیت است می‌شود (Garner, 2011: 568).

در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز شبیه این نوع کیفرخواست وجود دارد و در مواردی قبل از اینکه تحقیقات مقدماتی کامل شود یا متهم به واسطه تحقیقات مقدماتی تبرئه گردد، پرونده مستقیماً به دادگاه فرستاده می‌شود. در چنین موارد فوق‌العاده‌ای مقام قضایی با استفاده از اختیار خود برای طرح دعوی به‌موقع در دادگاه اقدام به صدور کیفرخواست شفاهی می‌کند (رمضانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

۳. شرایط صدور کیفرخواست شفاهی

بر اساس ماده ۸۶ مشخص است که استفاده از کیفرخواست شفاهی منوط به احراز شرایط و ضوابطی شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱. قلمرو جرائم

در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک قلمرو جرائم کیفرخواست شفاهی محدود به جرائمی شده است که مجازات آن‌ها در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک ذکر نشده باشد. مجازات‌های مقرر در ماده ۳۰۲ در حقوق کیفری کشور ما جزو مجازات‌های بسیار مهمی هستند که در طول مراحل دادرسی مقررات ویژه‌ای برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. از جمله اینکه تحقیقات مقدماتی این جرائم در صلاحیت انحصاری بازپرس است. به‌علاوه دادگاه صالح برای رسیدگی به آن‌ها نیز دادگاه کیفری یک یا انقلاب می‌باشد که با تعدد قاضی به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند؛ اما جرائمی که در ماده ۳۰۲ اسمی از مجازات آن‌ها برده نشده است شامل جرائم متعددی می‌شود. در حوزه مجازات‌های تعزیری، کلیه مجازات‌های تعزیری درجه چهار الی شش قابلیت استفاده از کیفرخواست شفاهی را دارند. همچنین در حوزه جرائم مستوجب دیه، کلیه جرائم غیر عمدی اعم از شبه

عمد یا خطاء محض تحت شمول کیفرخواست شفاهی قرار خواهند گرفت. به علاوه اگرچه قتل عمد مستوجب قصاص نفس در محدوده ماده ۸۶ ق.آ.د.ک قرار نمی‌گیرد اما جنایت‌های مستوجب قصاص عضو که دیه آن‌ها کمتر از نصف دیه کامل باشد نیز قابلیت بهره‌مندی از کیفرخواست را خواهند داشت.

در خصوص جرائم مستوجب حد نیز قابل ذکر است که جرائم مستوجب حدی که مجازات سلب حیات یا قطع عضو در آن‌ها پیش‌بینی شده مانند محاربه یا افساد فی الارض و سرقت حدی از موضوع ماده ۸۶ ق.آ.د.ک خارج هستند؛ اما جرائم حدی که مجازات آن‌ها شلاق حدی باشد مانند شرب خمر (با رعایت تکرار جرم) مشمول ماده ۸۶ بوده و می‌توان در آن‌ها از کیفرخواست شفاهی استفاده کرد.

با توضیحات بالا مشخص می‌شود که تعداد قابل توجهی از جرائم در کشور ما قابلیت استفاده از کیفرخواست شفاهی در آن‌ها وجود دارد و لذا در صورت استفاده صحیح از این نهاد و البته رعایت دقیق قانون می‌توان به کاهش اطاله دادرسی در امور کیفری بسیار امیدوار بود.

۲-۳. اتمام تحقیقات مقدماتی

استفاده از کیفرخواست شفاهی در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک منوط به پایان یافتن تحقیقات مقدماتی شده است. تحقیقات مقدماتی برخلاف ق.آ.د.د.ع.ا.ک مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به نحو صحیحی تعریف شده است؛ «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود».

تحقیقات مقدماتی از زمان ارجاع پرونده از سوی مقام تعقیب یعنی دادستان آغاز می‌شود و مقام تحقیق که ممکن است بازپرس، دادیار یا شخص دادستان باشد مجموعه‌ای از اقدامات مختلف را برای جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم انجام می‌دهند که به تفصیل شرح این اقدامات در مواد مختلف ق.آ.د.ک تبیین شده است و شامل موارد مختلفی مانند بازجویی از شاکی، متهم و شهود، ارجاع به کارشناس، معاینه محلی، تحقیق محلی، استعلامات مختلف و ... باشد. در واقع با پایان یافتن تمامی این تحقیقات

از سوی مقام تحقیق است که وی می‌تواند در صورت حصول دیگر شرایط از کیفرخواست شفاهی استفاده کرده و پرونده را بدون صدور تصمیم نهایی و البته کیفرخواست کتبی، به دادگاه برای رسیدگی و صدور حکم ارسال نماید. پرونده در پایان این مرحله باید به نحوی تحقیقات آن انجام یافته باشد که دادگاه بدون فوت وقت و انجام اقدامات اضافی برای تحقیقات مختلف بتواند در یک جلسه رسیدگی کرده و رأی خود را صادر نماید. البته تأکید قانون‌گذار در ماده ۸۶ مبنی بر پایان یافتن تحقیقات مقدماتی برای این است که مبدا تأکید بیش از حد بر سرعت دادرسی در راستای کاهش اطاله کیفری، حقوق متهم تضییع شود یا اینکه وی بی‌گناه محکوم به کیفر شود.

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که در صورتی که بازپرس بنا به ارائه پیشنهاد کیفرخواست شفاهی به دادستان را داشته باشد، آیا صدور قرار جلب به دادرسی ضروری است به عبارت دیگر آیا در ارائه کیفرخواست شفاهی باید ملزم به صدور قرار جلب به دادرسی باشیم. در این خصوص میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقد بر این نظر هستند که چنانچه پرونده به بازپرس ارجاع شده باشد، پس از اتمام تحقیقات مقدماتی بازپرس می‌تواند بدون نیاز به صدور قرار جلب به دادرسی از دادستان تقاضا کند که در همان روز پرونده با کیفرخواست شفاهی در دادگاه مطرح شود (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۲۸۷). در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که لازمه آماده شدن پرونده برای کیفرخواست شفاهی در دادگاه احراز مجرمیت است و تا زمانی که مجرمیت شخص متهم محرز نشده درخواست کیفرخواست معنا ندارد و نمی‌توان به پرونده او در دادگاه رسیدگی کرد لذا صدور قرار جلب به دادرسی ضرورت دارد (عابدی، ۱۳۹۸: ۳۴۷). مقنن در این خصوص سکوت اختیار کرده و رویه مشخصی را ارائه نداده است لیکن اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۷۶ مورخ ۹۹/۱۰/۲۰ مقرر داشته است ارائه کیفرخواست شفاهی و طرح پرونده در دادگاه کیفری صالح مستلزم توافق بازپرس و دادستان در احراز بزهکاری متهم است که این امر با صدور قرار جلب به دادرسی از سوی بازپرس و موافقت دادستان با آن امکان‌پذیر است.

نکته قابل توجه و افتراقی دیگر در کیفرخواست شفاهی نسبت به کیفرخواست کتبی بحث صدور قرار تأمین کیفری است. رویه غالب قانون‌گذار ایرانی در بحث تحقیقات مقدماتی و اخذ تأمین چنین بوده است که اخذ تأمین متناسب در مرحله تحقیقات

مقدماتی بر عهده مقام دادسرا بوده است لیکن در کیفرخواست شفاهی مقنن ظاهراً اخذ تأمین مناسب را بر عهده دادگاه گذاشته و اختیاری در این خصوص برای دادسرا قائل نشده است با وصف که مطابق با آنچه که در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک آمده است در کیفرخواست شفاهی اخذ و صدور قرار تأمین متناسب از متهم با دادگاه است و دادسرا به جهت ختم تحقیقات و تحقق بزه نمی‌تواند برای متهم قرار تأمین صادر نماید و این موضوع در ماده مذکور با قید عبارت «اخذ تأمین متناسب با دادگاه است» مورد تأکید قرار گرفته است. عده‌ای با توجه به عبارت مذکور در ماده ۸۶ معتقدند دادسرا در کیفرخواست شفاهی نمی‌تواند اخذ تأمین کند و اخذ تأمین از و طایف دادگاه است. در مقابل عده‌ای نیز نظر مخالف ارائه داده‌اند و بیان داشته‌اند که صدور قرار تأمین کیفری بر عهده دادسرا است و دادگاه صرفاً موظف است بررسی کند که قرار تأمین صادره از طرف دادسرا با وضعیت و شرایط متهم متناسب است یا خیر، لذا دادگاه فقط بحث تناسب تأمین صادره را بررسی می‌کند و در خصوص اصل اخذ تأمین نمی‌تواند اقدامی به عمل آورد. این افراد در دفاع از نظریه خود بیان می‌کنند، با توجه به اینکه در ماده ۸۶ آ.د.ک یکی از شرایط کیفرخواست شفاهی ختم تحقیقات مقدماتی است و تحقیقات مقدماتی زمانی خاتمه پیدا می‌کند که اقداماتی چون وجود ادله کافی، تفهیم اتهام به متهم، اخذ دفاعیات متهم، اخذ آخرین دفاع و صدور قرار تأمین متناسب انجام شده باشد علاوه بر این موضوع با توجه به اینکه بازپرس برای اظهارنظر یک فرصت ۵ روزه دارد و دادستان نیز برای پرونده‌های شعب بازپرسی یک فرصت ۲۴ ساعته و نسبت به پرونده‌های شعب دادیاری یک فرصت ۳ روزه برای اظهارنظر دارد، طی این مدت نمی‌توان پرونده را ناقص و متهم را بدون صدور قرار تأمین رها نمود (عابدی، ۱۳۹۸: ۴۷).

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۱۵۴۳/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ در یک نظریه مشورتی مقرر داشته است چنانچه دادگاه در زمان رسیدگی تحقیقات مقدماتی را کامل نداند می‌تواند انجام تکمیل تحقیقات را از ضابطان یا مقامات دادسرا بخواهد، لیکن در این حالت نیز اخذ تأمین با دادگاه است؛ بنابراین اداره حقوقی قوه قضائیه نیز قائل به اخذ تأمین توسط دادگاه می‌باشد. نکته قابل توجه این است که همان اداره تأمین توسط دادسرا را در ایام کشیک مجاز دانسته و در نظریه شمار ۷/۹۹/۵۳۸ مورخ ۱۳۹۹/۵/۵ مقرر داشته در زمان اخذ آخرین دفاع از متهم در وقت

کشیک صدور قرار تأمین کیفری منتهی به بازداشت نافی و مسقط اعمال اختیار قانونی دادستان در طرح دعوی کیفری شفاهی و دادگاه صالح در اخذ تأمین متناسب از متهم ندانسته است.

۳-۳. حضور متهم و شاکی

شرط سوم کیفرخواست شفاهی حضور متهم و شاکی در دادرسی کیفری می‌باشد. در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک این شرط با عبارت «چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد» تبیین شده است. با توجه به این شرط به نظر می‌رسد کیفرخواست شفاهی اختصاص به رسیدگی‌های حضوری داشته و در رسیدگی‌های غیابی امکان استفاده از آن وجود ندارد. از این رو اگر متهم متواری بوده و روند دادرسی کیفری بدون حضور او ادامه پیدا کرده باشد، علی‌رغم اینکه در پرونده بقیه شرایط استفاده از دادرسی به صورت شفاهی نیز موجود باشد، اما نمی‌توان بدون صدور قرار نهایی و کیفرخواست پرونده را به دادگاه ارسال کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به شرط حضور متهم، می‌توان مدعی شد که کیفرخواست شفاهی نهادی ارفاقی برای متهم نیز می‌باشد که فقط در مورد متهمانی که در دادرسی حضور داشته و متواری نیستند می‌توانند از امتیاز آن که همانا مشخص شدن سریع وضعیت اتهامشان می‌باشد، برخوردار گردند؛ اما منظور قانون‌گذار در ماده ۸۶ از شرط حضور متهم در دادرسی، در بازداشت بودن فرد نیست و اگر برای وی قرار تأمین کیفری غیر بازداشت موقت مانند وثیقه یا کفالت نیز صادر شده باشد و وی در مواقع لزوم که مقام تحقیق صلاح ببیند و وی را احضار کند بدون تخلف از دستور، حضور پیدا کند نیز می‌توان از کیفرخواست شفاهی استفاده کرد. در نتیجه کیفرخواست شفاهی شامل همه مواردی می‌شود که متهم در جریان دادرسی حضور داشته باشد ولو اینکه آزاد بوده و در بازداشت نیز نباشد.

همچنین اگر متهم در روند تحقیقات مقدماتی در دادسرا مدتی متواری بوده ولی بعداً دستگیر شده یا شخصاً حضور پیدا کرده نیز دلیلی برای عدم استفاده از کیفرخواست شفاهی در پرونده وی وجود ندارد و صرفاً حضور داشتن وی در انتهای تحقیقات مقدماتی و زمانی که دادستان و مقام تحقیق می‌خواهند راجع به استفاده یا

عدم استفاده از کیفرخواست شفاهی تصمیم بگیرند کفایت خواهد کرد. اما قانون‌گذار علاوه بر حضور متهم، حضور شاکی را نیز ضروری دانسته است. البته ماده ۸۶ مواردی را نیز مدنظر قرار داده که ممکن است اصولاً پرونده اصلاً شاکی نداشته و یا اینکه بزه دیدگان جرم ارتكابی از سوی متهم هنوز شناسایی نشده باشند و یا ایشان هنوز شکایتی را تقدیم دادسرا نکرده باشند. بعضی از جرائم در دسته جرائم بدون بزه دیده قرار می‌گیرند مانند جرم شرب خمر یا توهین به مقدسات دینی و ...، در این جرائم فرض شکایت شاکی عموماً منتفی است و لذا بدون حضور وی نیز می‌توان کیفرخواست شفاهی را به کار گرفت. همچنین بعضی جرائم با اینکه ممکن است بزه دیده داشته باشند اما احتمال دارد که بزه دیده اصلاً قصد شکایت نداشته یا اینکه از وقوع جرم علیه خود مطلع نشده باشد، لذا بزه دیدگان بعضی جرائم ممکن است هیچ‌گاه شناسایی نشوند. به‌علاوه فرض محتمل دیگر شکایت بزه دیده و البته گذشت بعدی وی است که باعث می‌شود بزه دیده در مقام شاکی دیگر سمتی در پرونده مذکور نداشته باشد لذا حضور یا عدم حضور وی تأثیری در دادرسی کیفری نگذارد.

در پایان سؤال قابل طرح این است که آیا شرط حضور متهم و شاکی به معنی موافقت ایشان برای استفاده از کیفرخواست شفاهی است؟ آیا دادستان می‌تواند بدون موافقت و رضایت متهم و شاکی کیفرخواست شفاهی را بکار گیرد؟ به نظر می‌رسد جلب موافقت متهم و شاکی لازم نباشد و صرف حضور ایشان کفایت خواهد کرد. دلیل این موضوع نیز این است که قانون‌گذار در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک از حضور متهم و شاکی و نه اخذ موافقت ایشان سخن به میان آورده است. این در حالی است که در مواردی که قانون‌گذار موافقت متهم یا شاکی را نیز لازم دانسته است، به‌صراحت از واژه «موافق» بودن متهم استفاده کرده است. به‌عنوان مثال در ماده ۸۲ قانون‌گذار برای استفاده از نهاد میانجیگری موافقت بزه دیده را شرط دانسته و به‌صراحت از همین واژه استفاده کرده است.

۳-۴. تصمیم دادستان

استفاده از کیفرخواست شفاهی منوط به تصمیم و موافقت دادستان شده است. با پایان روند تحقیقات مقدماتی به‌طور معمول مقام تحقیق بایستی تصمیم نهایی خود

را در قالب یکی از قرارهای نهایی جلب به دادرسی، منع یا موقوفی تعقیب صادر نموده و پرونده را بلافاصله برای دادستان در راستای تأیید تصمیم صادره ارسال دارد. دادستان در صورت موافقت با قرار صادره اگر این قرار از نوع جلب به دادرسی باشد، کیفرخواست صادر و پرونده را به دادگاه صالح می‌فرستد؛ اما اگر مقام تحقیق بخواهد از کیفرخواست شفاهی استفاده کند که دیگر هیچ‌گونه تصمیم نهایی را اتخاذ نمی‌کند، بلکه از دادستان تقاضای استفاده از کیفرخواست شفاهی و بدون کیفرخواست کتبی را می‌نماید که در صورتی که دادستان موافقت خود را اعلام نماید با کیفرخواست شفاهی پرونده را به همراه متهم به دادگاه ارسال می‌دارد. همچنین برای استفاده از کیفرخواست شفاهی لازم نیست که حتماً مقام تحقیق تقاضا نماید تا دادستان موافقت کند، دادستان در پرونده‌هایی که خود وظیفه تحقیقات در آن‌ها را بر عهده دارد و همچنین سایر پرونده‌هایی که نزد بازپرس یا دادیار مطرح است نیز می‌تواند بدون هیچ‌گونه تقاضایی از جانب ایشان و به تشخیص خود، از کیفرخواست شفاهی استفاده و پرونده را به دادگاه بفرستد و در این صورت بازپرس یا دادیار حق مخالفتی با این تصمیم دادستان را ندارد. این موضوع از این نظر قابل توجه است که در مقررات دادرسی کیفری کشور ما بازپرس مقام تقریباً مستقلاً در نظر گرفته شده است اما در ماده ۸۶ ق.آ.دک اگر دادستان بخواهد از کیفرخواست شفاهی استفاده کند به محض پایان یافتن تحقیقات نزد بازپرس، پرونده را از وی اخذ نموده و بدون قرار نهایی و کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌دارد. لازم به ذکر است اگر مقام تحقیق در پایان تحقیقات اعتقاد به منع یا موقوفی تعقیب متهم داشته باشد، دیگر موجبی برای استفاده از کیفرخواست شفاهی پیش نمی‌آید و دادستان نیز حق ندارد که پرونده را در راستای کیفرخواست شفاهی از بازپرس اخذ کند. البته در ماده ۸۶ ق.آ.دک در این باره چیزی تصریح نشده است. قانون‌گذار در این ماده به‌طور مطلق بیان کرده که اگر تحقیقات کامل شود دادستان می‌تواند راساً یا به درخواست بازپرس پرونده را با کیفرخواست شفاهی به دادگاه ارسال دارد؛ اما به نظر نمی‌رسد منظور قانون‌گذار این باشد که حتی اگر مقام تحقیق اعتقاد بر عدم انتساب جرم به متهم یا موقوفی تعقیب وی به خاطر وجود یکی از موارد ماده ۱۳ ق.آ.دک باشد، همچنان بتوان از کیفرخواست شفاهی استفاده کرد. لذا استفاده از کیفرخواست شفاهی را صرفاً باید در شرایطی تجویز نمود که مقام تحقیق و دادستان

اعتقاد به انتساب اتهام به متهم را داشته و موارد موقوفی تعقیب نیز احراز نگردد. نکته‌ای که در رسیدگی به کیفرخواست شفاهی باید مورد بررسی قرار دهیم بحث الزام یا عدم حضور الزام دادستان در جلسه رسیدگی است. در زمان رسیدگی اولین نکته‌ای که در صورت صدور کیفرخواست شفاهی با آن مواجه خواهیم شد این است که آیا دادستان یا نماینده او ملزم به حضور در جلسه رسیدگی خواهند بود یا الزامی در این خصوص نخواهند داشت. در ابتدای بحث باید یادآور شد که مطابق با ماده ۸۶ ق.آ.د.ک و با توجه به مستثنی شدن بعضی از جرائم (ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک) از امکان صدور کیفرخواست شفاهی، دادگاه‌های صالح به رسیدگی کیفرخواست شفاهی حسب مورد دادگاه کیفری دو، دادگاه نظامی و دادگاه انقلاب است؛ بنابراین با توجه به ماده ۳۰۰ ق.آ.د.ک که حضور دادستان یا معاون او یا دادیار تعیین شده از طرف دادستان را برای دفاع از کیفرخواست اختیاری مقرر نموده است و حضور او را در فرض «ضرورت» الزامی داشته است، عدم حضور دادستان در دادگاه کیفری دو برای دفاع از کیفرخواست شفاهی استنباط می‌شود. در ضمن در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک نیز قانون‌گذار صریحاً حضور یا عدم حضور دادستان یا نماینده او را در جلسه رسیدگی که کیفرخواست آن شفاهی است پیش‌بینی نکرده است. در مقابل این دیدگاه می‌توان به نظریه دیگری نیز قائل شد. با توجه به بند الف ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک مقنن استماع عقیده دادستان یا نماینده او را در مواردی که پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده را ضروری دانسته است بنابراین با استناد به این ماده می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضور دادستان یا نماینده او در جلسه رسیدگی که کیفرخواست آن به صورت شفاهی ارائه شده، الزامی است. علاوه بر این موارد اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی ۷/۹۴/۲۳۵۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۳۰ حضور دادستان یا نماینده وی را جهت اعمال ماده ۸۶ ق.آ.د.ک الزامی دانسته و همچنین بیان نموده است در صورت نقض تحقیقات اخذ تأمین با دادگاه صالح است (روستا، ۱۳۹۹: ۵).

۴. جریان رسیدگی در کیفرخواست شفاهی

سرعت در دادرسی یکی از اصول دادرسی منصفانه است. سرعت در دادرسی به این معنا است که فرایند دادرسی دچار اطاله نگردد و به اتهام متهم در سریع‌ترین

زمان ممکن رسیدگی شود و چنانچه متهم گناهکار است سریع مجازات شود و اگر بی‌گناه است تبرئه شود لذا در جریان رسیدگی شفاهی محاکم باید رویه‌ای مشخص و واحد داشته باشند (اسدی نیا، ۱۳۹۹: ۲۳۲). در پرونده‌هایی که قابلیت استفاده از تأسیس کیفرخواست شفاهی را دارند، همه‌چیز تا زمانی که تحقیقات مقدماتی پایان می‌یابد مشابه روال رسیدگی به بقیه جرائم است. با کشف جرم و اطلاع دادستان از آن، پرونده‌ای تشکیل و در صورتی که وقوع جرم محرز باشد، از سوی مقام تعقیب که همان دادستان است به یکی از شعب دادرسی یا بازپرسی ارجاع می‌گردد (البته به استثنای جرائمی که در صلاحیت مستقیم دادگاه است). پرونده با ارجاع نزد مقام تحقیق، تحقیقات مقدماتی آن به ترتیبی که در قانون پیش‌بینی شده ادامه می‌یابد و با احضار شاکی، متهم و شهود، از ایشان تحقیقات کافی انجام می‌گردد و کلیه دلایل و امارات له یا علیه متهم جمع‌آوری شده، اگر بازپرس اعتقاد به مجرم بودن متهم داشته باشد و همچنین موارد موقوفی تعقیب درباره وی موجود نباشد، می‌تواند از دادستان تقاضای کیفرخواست شفاهی را بنماید. همچنین دادستان نیز راسا می‌تواند چنین تصمیمی را در راستای انجام کیفرخواست شفاهی اتخاذ کند که در هر صورت از اینجا به بعد روال رسیدگی پرونده با دیگر پرونده‌ها متفاوت خواهد شد. در صورت احراز شرایط پیش‌گفته، پرونده‌ای که تحقیقات مقدماتی در آن به اتمام رسیده به همراه متهم و اگر شاکی نیز وجود داشته باشد با حضور او، بلافاصله به دادگاه ارسال می‌شود. در این صورت دیگر قرار نهایی در قالب قرار جلب به دادرسی از سوی مقام تحقیق صادر نمی‌گردد. به‌علاوه دادستان نیز کیفرخواست کتبی برای آماده شدن پرونده در راستای ارسال به دادگاه مانند دیگر پرونده‌ها صادر نمی‌نماید.

با ارجاع پرونده به دادگاه، تفاوت دیگری که رقم می‌خورد اینکه در این‌گونه پرونده‌ها نیازی به در نوبت رسیدگی قرار دادن آن‌ها نیست، بلکه دادگاه براساس ماده ۸۶ ق.آ.د.ک بدون تأخیر تشکیل جلسه داده و به متهم اعلام و تفهیم می‌کند که حق دارد که برای آمادگی جهت دفاع و یا انتخاب وکیل برای خود تقاضای مهلت نماید. اگر متهم تقاضای مهلت نکند دادگاه در همان ابتدای حضور پرونده و متهم در دادگاه، جلسه رسیدگی را تشکیل و همان موقع رأی را صادر می‌کند مگر اینکه نیاز به تحقیقات جدیدی داشته باشد که راسا یا از طریق دادسرا آن را انجام داده و بلافاصله رأی خود

را صادر خواهد کرد. در صورتی که متهم تقاضای مهلت نماید براساس ماده ۸۶ ق.آ.د.ک دادگاه سه روز به وی مهلت می‌دهد که خود را مهیای دفاع نماید. به نظر می‌رسد مهلت سه‌روزه برای تدارک دفاع با توجه به اینکه ممکن است برخی دلایل یا شهود فعلا در دسترس نباشند برای آماده شدن جهت دفاع کافی نباشد. به هر حال قانون‌گذار تمام تلاش خود را کرده که جریان رسیدگی در کیفرخواست شفاهی در نهایت سرعت انجام گیرد؛ اما این سرعت در دادرسی نباید باعث محدود شدن حقوق دفاعی متهم از جمله حق برخورداری از فرصت کافی برای تدارک دفاع شود.

بدون تردید تأسیس و پیش‌بینی نهاد کیفرخواست شفاهی آثار خوب و ارزشمندی در دادرسی کیفری خواهد داشت لیکن ابهامی نیز در فرایند اجرای این نهاد و در راستای حقوق متهم به چشم می‌خورد. در قسمتی از ماده ۸۶ ق.آ.د.ک در بحث تعیین وکیل برای متهم در جلسه دادگاه مقرر شده است «دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه داده و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود.» با توجه به این شق از ماده ۸۶ سؤالی که با آن مواجه خواهیم شد این است که آیا اعمال کیفرخواست شفاهی مقامات قضایی دادسرا تکلیفی در خصوص متهم مبنی بر تفهیم حق دسترسی به وکیل ندارند و یا اینکه تفهیم حق دسترسی به وکیل علاوه بر وظایف مقامات دادسرا به عهده قاضی دادگاه نیز می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۵ ق.آ.د.ک که مقرر می‌دارد «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». یا صراحت ماده ۴۸^۱ از همین قانون در خصوص حقوق پیش‌بینی شده برای متهم جهت دسترسی به وکیل و ماده ۱۹۰^۲ قانون مذکور مبنی بر حق داشتن وکیل در مرحله

۱. ماده ۴۸ ق.آ.د.ک: با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم میتواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یکساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

۲. ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: متهم میتواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگیرنده احضار به قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم میتواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

تحقیقات مقدماتی و تفهیم این حق قبل از شروع تحقیق و همچنین تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون مورد اشاره که سلب حق همراه داشتن و کیل و عدم تفهیم این حق به متهم را موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه دانسته است می‌توان به این نظر قائل شد که به‌رغم اینکه دعوی کیفری ممکن است به‌صورت شفاهی و خارج از تشریفات در دادگاه مطرح شود اما این امر به آن معنا نخواهد بود که مقامات قضایی دادسرا مکلف به تفهیم حق دسترسی و کیل به متهم نباشند (تقی پور و سلیمی، ۱۳۹۷: ۸۲). همچنین شاکی از آنجایی که طبق مواد ۱۵ الی ۲۱ ق.آ.د.ک حق طرح دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را در دادگاه کیفری دارد، در کیفرخواست شفاهی نیز این حق وی از بین نمی‌رود و حق دارد ظرف پنج روز از ارجاع پرونده به دادگاه، دادخواست خود را تقدیم نماید و دادگاه کیفری نیز مکلف به رسیدگی است. البته در دیگر پرونده‌ها که روال عادی خود را طی می‌نمایند، این حق شاکی تا قبل از ختم دادرسی ادامه دارد اما در کیفرخواست شفاهی صرفاً تا پنج روز از ارجاع پرونده به دادگاه شاکی خصوصی حق تقدیم دادخواست ضرر و زیان را خواهد داشت و در صورتی که از این مهلت استفاده نکند، بایستی بالاجبار به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

۱. تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴): سلب حق همراه داشتن و کیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه سه و هشت است.

برآمد

رسیدگی بدون کیفرخواست یا اختصاری یکی از سازوکارهایی است که نظام‌های حقوقی به‌منظور تأمین سرعت در رسیدگی‌های کیفری با حذف پاره‌های از تشریفات رسیدگی، پیش‌بینی کرده‌اند. این شیوه عمدتاً ناظر به جرائم سبک بوده، حذف این تشریفات می‌بایست به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که به اصول دادرسی عادلانه خللی وارد نکند. در کشور ما نیز کیفرخواست شفاهی جدیدترین راهکاری است که مقنن ایرانی برای کاهش اطلاع دادرسی در تعقیب کیفری مرتکبان جرائم به کار گرفته است. این تأسیس طی ماده ۸۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته و برای بهره‌گیری از آن نیز «موارد» و «شرایطی» منظور شده است. با تأملی بر این ماده به نظر می‌رسد حجم بالایی از جرائم تحت الشمول این تأسیس قانونی قرار گرفته و در بادی امر این موضوع می‌تواند در عرصه اجرا مشکلاتی را به بار آورده و موضوع «دادرسی منصفانه» را تحت الشعاع قرار دهد. با توجه به اینکه مقام تحقیق اعم از دادیار یا بازپرس در استفاده از روش کیفرخواست شفاهی «اختیار» و نه «الزام» داشته لذا وضعیت فعلی رویه قضایی حاکم بر دادسراها بیانگر این است که قضات دادسرا حتی‌الامکان از این تأسیس کمتر بهره گرفته و ترجیح ایشان انتخاب روش عادی و مرسوم تعقیب کیفری برای احتراز از برخی تبعات منفی است. تعداد زیاد پرونده‌های مطروحه به‌ویژه در دادگاه‌ها باعث گردیده که قضات محاکم نیز تمایل اندکی برای ورود بدون تعیین وقت قبلی و به‌صورت فوق‌العاده به پرونده‌های موضوع کیفرخواست شفاهی باشند. همه این موضوعات باعث گردیده علی‌رغم اقدام به‌جای قانون‌گذار در استفاده از تأسیس کیفرخواست شفاهی اما در عمل این تأسیس به‌اندازه ظرفیتی که دارد به کار گرفته نشده و عملاً نتواند کارایی مدنظر را به همراه داشته باشد. ضرورت تغییراتی در این تأسیس در اصلاحات بعدی ق.آ.د.ک که در راستای تضمین هرچه بیشتر و بهتر حقوق اصحاب دعوی به ویژه متهم اجتناب‌ناپذیر بوده و در کنار آن، نوعی فرهنگ‌سازی و تشویق هرچه بیشتر قضات مستقر در دادسرا برای استفاده از این نهاد ضروری به نظر می‌آید.

منابع

الف) فارسی

- ۱ اسدی نیا، شهناز، *جلوه‌های اصل سرعت در آیین دادرسی کیفری نوین ایران*، مجله مطالعات حقوق، شماره ۳۸، ۱۳۹۹.
- ۲ اسفندیاری، محمد صالح، نوپور، محسن، *پیامدها و چالش‌های مداراگرایی در جرائم خرد*، مجله کارآگاه، شماره ۳۹، ۱۳۸۶.
- ۳ اسماعیلی، رامین، جلوه‌گر، علی، *جایگاه کیفرخواست شفاهی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید*، همایش قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد، ۱۳۹۲.
- ۴ بکاریا، سزار، *جرائم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ ششم، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- ۵ تقی پور، علیرضا، سلیمی، واحد، *تأثیر اندیشه‌های جرم‌شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری*، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره ۱۷، ۱۳۹۷.
- ۶ حبیبی تبار، جواد، *گام‌به‌گام با نهاد دادرسی*، ج اول، انتشارات نشر گام‌به‌گام، ۱۳۸۱.
- ۷ خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ سی و دوم، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵.
- ۸ روستا، سجاد، *تحلیل و گونه‌شناسی مدل کیفرخواست شفاهی در انواع دادرسی اختصاری در نظام حقوقی ایران*، نخستین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ، دانشگاه پیام نور، استان فارس، ۱۳۹۹.
- ۹ رضائی، رضا، *کیفرخواست در نظام کیفری ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰.
- ۱۰ طهماسبی، آیین دادرسی کیفری، ج دوم، چاپ چهارم، انتشارات میزان، ۱۳۹۸.
- ۱۱ عابدی، احمدرضا، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، مرکز آموزش قوه قضائیه، ۱۳۹۸.
- ۱۲ کاظمی، سید سجاد، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.
- ۱۳ مهرا، نسرین، زرغامی، فرید، *مبانی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان*، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸ شماره ۲، ۱۳۹۳.

۱۴. نوریان، علیرضا، سلیمی، احسان، مهلت معقول در مرحله پیش دادرسی کیفری، از سازوکارهای اعمال تا ضمانت اجرای نقض، مجله راهبرد و مجلس، شماره ۹۲، ۱۳۹۶.
۱۵. وطنی، امیر، نرگسیان، محمد، جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری، مجله فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۴، ۱۳۹۷.

(ب) انگلیسی

1. Anthony bradly (eds), *European human rights law*, text and materials, 2nd, e.dn. oxford. Oup, (2000).
2. Anne C. Conway, Speedy Trial: The path to protecting the rights of citizens and defendants, (2010).
3. barker,david and pad field, Colin, *Law made simple*, OXFORD Pub,London, (2002).
4. DANIEL A Broken Clock: Fixing New York’s Speedy Trial Statute, (2015).
5. Garner, Bryan, *Blacks Law dictionary*, Thamson, 3 thed, west, (2011)